مشاهیر مردمان مشرق و مغرب (3): سید احمد خان

متأخرّین از صدها کلمات از آن زبان مصنوعی پر است.کتاب دساتیر یک کتاب قلب و مجعولی است که باغلب احتمال اسمعیلیّه آنرا ساخته‏اند و شرح را بفارسی نوشته و متن را کلمات بیمعنی از حرف تهجّی ساخته‏ و بهم وصل کرده‏اند.این کتاب که سرتاپا بی‏اصل است منشأ و مأخذ خرافات تاریخی«نامهء خسروان»تألیف جلال الدّین میرزا(که بدبختانه‏ در ایران شیوع یافته)گردیده و بعضی از شعرا و ادبای معاصر هم لغات‏ بیمعنی آنرا از روی فرهنگهای متأخرّین اقتباس و در نثر و نظم آورده‏اند.

مشاهیر مردمان‏ مشرق در مغرب‏ (2) سیّد احمد خان

یکی از مشاهیر سزاوار اشتهار مشرق زمین که هرچه زمان بگذرد آوازهء شهرت و عظمت وی بیشتر در پیش هموطنانش بلند خواهد شد سیّد احمد خان مؤسّس اصلاح اساسی و مربّی عظیم هندی است.مشار الیه شاید بزرگترین شخص مسلمانان هندوستان است.این مرد بزرگ در-ذی الحجّه سنه 1232 در دهلی متولد شده و پسر سیّد محمّد متقّی خان‏1بود.اجداد او از عربستان بهرات آمده و در زمان‏ سلطنت اکبر شاه از آنجا بهندوستان رفته بودند.در 19 سالگی سیّد احمد خان از پدر یتیم شد و یکسال بعد در خدمت دولت هند داخل شد.

مأموریّت اوّل او شغل منشی‏2در ادارهء محاکم جنایات دهلی بود.در سنه 1257 بدرجهء«منصف»[یعنی معاون قاضی‏]در فتحپور سکری از نواحی آگرا ترقی یافت و چند سال بعد کتابی در خصوص آثار قدیمهء دهلی موسوم به«آثار الصّنادید»تألیف کرد و بواسطهء این کتاب مقام علمی‏ او اشتهار یافت و انجمن آسیائی پادشاهی هند ویرا بعضویّت خود انتخاب‏ نمود.در شورش بزرگ هند در سنه 1273 سیّد احمد خان در بجنور معاون قاضی بود و وی طرفدار شورش مزبور نبود زیرا که هندوستان را بدون آنکه بعلم مسلّح شود و تعلیم و تربیت کاملا انتشار یابد مستعدّ نجات و استقلال و خلاص از دست انگلیس نمیدید و معتقد آن بود که آن‏ شورش بجای نفع ضرر خواهد داشت.به پیشروان شورش نصایح‏ داد ولی مؤثّر نشد و باعث تغیّر خاطر آنها شده ویرا تهدید کردند باوجوداین او جان خیلی از اروپائیان را نجات داد و آنها را سالما به‏ میروت فرستاد.بعد از خاتمهء شورش دولت انگلیس ویرا مکافات نمود و یک مستمرّی ماهانه بمبلغ 200 روپیه که بطور ارث در خانوادهء او برقرار میشد در حقّ وی مقرّر داشته و نشان ستارهء هند را باو دادند.

چندی بعد وی کتابی بزبان اردو در شرح علل و اسباب شورش‏ هند نوشت که بزبان انگلیسی نیز ترجمه شد.در این کتاب مشار الیه اعمال‏ (1)در دائرهء المعارف اینطور است ولی مرحوم جرجی زیدان در مجلّهء الهلال عربی منطبعهء مصر اسم پدر را محمّد تقی خان ضبط میکند.

(2). Greffier

انگلیس را در هندوستان تنقید کرده و جهاتی را که باعث شورش هندیان‏ شد بیان کرد و باین وسیله وطن‏پرستی حقیقی وی که با کمال بی‏اعتنائی‏ بنشانها و مستمرّیهای انگلیس از حقوق وطن خود دفاع کرد بر همه ثابت‏ شد.لکن مشار الیه در این کتاب خطای هندیان را نیز در شورش بیان‏ نموده و از همه بیشتر اساس استدلال خود را بر روی جهل عمومی ملّت و عدم انتشار تعلیم بقدر کفایت در بین آنها گذاشته و با فصاحت لازم بیان‏ کرد که واجبتر از هر چیز و آنچه هندوستان پیش از هرکاری بدان‏ محتاج است انتشار تعلیم عمومی است و از همین جهت مشار الیه با خود عهد کرد که تمام عمر و قوای خود را منحصرا وقف این خدمت ملّی نماید و از آنوقت باین طرف با وجود خدمت رسمی او در ادارات دولتی تمام‏ همّ خود را در راه نشر تعلیم در میان ابنای وطن خود صرف نمود.در سنّ 52 سالگی سیّد احمد خان سفری بانگلستان نمود و دو پسر خود را با خود برد که آنها را بگذارد تحصیلات اروپائی بکنند و بواسطهء تعلّق خاطر شدیدی که بتربیت و تعلیم هم‏مذهبان و هموطنان خود پیدا نمود در عودت از اروپا یک مدرسهء عالی در غازیپور تأسیس کرد.

سفر اروپا در وجود مستعدّ سیّد احمد خان تأثیر عجیبی نمود و مانند برقی در دل او برافروخت و حقیقت حال ملّت خود و نقائص آن در پیش چشم وی بغتة مکشوف گردید و واضح دید که بزرگترین سبب‏ عقب ماندن هندیان همانا استیلای جهل است و سبب آن نیز عمده تعصّب‏ کورکورانه است که بواسطهء آن هندیها از انگلیسها و سایر فرنگیها اجتناب ورزیده و از علوم و تمدّن آنان نیز پرهیز کرده و علوم طبیعی و فلسفی را مخالف دین شمرده بعادات و رسوم قدیم اجدادی متمسّک هستند.

مشار الیه ابتدا همّت بر شکستن این طلسم جهل و تعصّب گماشت و چون‏ پسرش سیّد محمود را در کمبریج از بلاد انگلیس بتحصیل گذشته بود و باین‏ مناسبت خود نیز بکمبریج رفته و دار الفنون بزرگ آنجا را دیده بود لهذا نهایت آمال وی همانا تأسیس مدرسه‏ای ماند آن دار الفنون در هند بود و در این راه میکوشید.

سیّد پیش از رفتنش باروپا یک انجمن ترجمه بنا کرده بود که منظور از آن‏ نزدیک کردن علوم فرنگی بود باذهان هندیان.این انجمن عدّهء مهّمی‏ از کتب انگلیسی را بزبان هندوستانی ترجمه و در میان عامّه نشر کرد.

انجمن مزبور را حکومت انگلیسی تشویق تامّ نمود و بسیّد احمد خان‏ یک نشان طلا برای این خدمت داد.در سنه 1284 سیّد به بنارس‏ انتقال نمود.

چنانکه گفتیم وی بعد از عودت از فرنگ در خیال خود نقشهء تأسیس‏ دار الفنون اسلامی را میکشید.ابتدا یک روزنامه بعنوان«اصلاح‏کنندهء هیئت اجتماعی»تأسیس کرد و بواسطهء مقالات غرّا و مشروحی که در آن‏ نشر میکرد با دلایل دینی و شرعی بر ضدّ خطای آنانکه علوم جدیده را حرام میشمردند جهاد میکرد و در این جهات ترقّی نه سال تمام پایداری کرد.

واضح است که پیشوایان جاهل و متعصّب ابتدا ویرا در ضلالت شمرده‏ و تکفیرش میکردند لکن طولی نکشید که صدق عقیدهء وی در اسلام بر همه‏ روشن شد و فهمیدند که غرض او محض صلاح حال مسلمین است.

تمام خیال سیّد احمد خان پیش تأسیس دار الفنون بود و در این راه‏ زحمات زیاد کشید و بعقبات و موانع بزرگ برخورد لکن وی از مقصد خود برنگشت.ابتدا برای همین مقصود یک انجمنی باسم«انجمن‏ سرمایهء مدرسهء هندی انگلیسی و اسلامی»تأسیس کرد و مقصود تأسیس آن‏ مدرسه در بنارس بود.بعد که خود سیّد را به علیکده‏1مأمور کردند بنا شد مدرسه در آنجا باشد که تقریبا مرکز ممالک اسلامی هند است.

تأسیس مدرسه باشکالات سخت برخورد.تعصّب مردم و مخصوصا پیشوایان تعصّب جاهلانه که هر تغییر یا اصلاح جدیدی را بدعت می‏نامیدند عقبهء بزرگی در جلو کار بود و از طرف دیگر جمع سرمایه آسان نبود رجال انگلیس هم کمک زیادی در پیشرفت این کار کردند ولی باز وجه کافی جمع نشد.سیّد احمد خان و همراهانش دیگر منتظر نشده یک‏ مدرسهء کوچکتری در علیکده بنا نهادند باسم«مدرسهء اسلامی و انگلیسی».

مدرسه در ربیع الثّانی سنه 1292 افتتاح شد و همین قدم اوّل که شروع‏ بکار کردند و از قوّه بفعل آوردند باعث اعتماد مردم شد و طولی نکشید که بقدر کافی مساعدت مالی بعمل آمده و مدرسهء عالی منظور تأسیس شد و لارد لیتون‏2در اوّل سال 1294 سنگ اساس بنای آنرا نهاد که حالا نیز پایدار است.این مدرسه ابتدا در تحت ادارهء بعضی از انگلیسها بود ولی بعد خود سیدّ از مأموریت خود استعفا داده و از 1297 باین‏ طرف منحصرا اوقات خود را سعی پیشرفت مدرسه کرده و بتعلیم و تألیف و خطابت مشغول بود تا در اواخر سال 1315 در 81 سالگی‏ (شمسی)وفات کرد.

\*\*\* سیدّ احمد خان از خانوادهء نجیب و بزرگی بود جدّ وی در عهد امپراطور هند عالمگیر(1024-1118)لقب جواد الدّوله گرفت و جدّ (1) Aligarh -تلفّظ و املای فرنگی این اسم شهر«آلیکار»است ولی ظاهرا مسلمانان هند علیکده مینامند و ظاهرا اصل کلمه«عالی گاره»بود بمعنی قلعهء عالی.این‏ شهر قریب هفتاد هزار نفوس دارد که از آنجمله قریب بیست و هشت هزار نفر مسلمانند.

(2) Lytton

مادری وی خواجه فرید الّدین احمد مقام مهمّی در هند داشت و از طرف‏ لارد ولسلی‏1بعنوان سفارت بایران فرستاده شده بود و لقب مدبّر الدّوله امین الملک خان بهادر داشت.خود سیدّ احمد خان نیز مقام‏ مهمّی در پیش حکومت هند پیدا کرد.از سنه 1295 تا سنه 1299 عضو مجلس قانون‏گذار هند بود و در حدود سنه 1305 مقام عضویّت‏ ستارهء هند را دارا شد.

لکن عظمت مقام معنوی او در هند و در تاریخ صد برابر بیشتر از این مقامات ظاهری است و بواسطهء این منصب‏ها و نشانها نیست که وی‏ این پایه و شهرت را یافته است.مشار الیه بزرگترین رکن نهضت اصلاحی‏ هند و باعث ترقّی مسلمین آن دیار است.مرحوم مشار الیه با نهایت‏ جدّ و اقدام و صبر در راه خدمت بملّت خود و پیش بردن مقاصد تعلیم‏ خود که آنرا بزرگترین کلّ خدمات بملّت و مملکت و مایهء حقیقی نجات و استقلال حقیقی هند میدانست جهاد کرد.وی شخصا ولایات هند را برای جمع اعانه برای دار الفنون میگشت و قریب 000`400 روپیهء هندی‏ باین وسیله جمع کرد.در هر شهری که میرسید مردم شهر تدارک‏ زیاد برای پذیرائی او دیده و مهمانیها ترتیب میدادند ولی او میگفت‏ «من برای خوردن و آشامیدن اینجا نیامده‏ام بلکه برای التماس کمک بیک‏ مقصود وطنی آمده‏ام،مدرسه محتاج پول است آنچه برای پذیرائی من‏ میخواهید صرف کنید نقد بمن بدهید که برای مدرسه صرف کنم».این‏ شخص عالیمقدار و دوراندیش که بهتر از پیشوایان سیاسی حقیقت حال‏ و چارهء نجات و وسیلهء حقیقی ترقّی را میدید تمام عمر خود را در راه تعلیم‏ و تربیت صرف کرد و در اواخر عمر 20 سال تمام شب و روز اوقات‏ خود را وقف پیش بردن کار دار الفنون کرد و بدآنجا رسانید که امروز مدرسهء علیکده مرکز عقل و علم هندیان مسلمانان است و درواقع سرمایهء ترقّی آنها است و شاید در هزار نفر هندی مسلمان و عالم ده نفر پیدا نشود که تربیت و علم او از علیکده نباشد و فی الحقیقه معنی مرهون‏ منّت احسان سیّد احمد خان نبوده باشد.

\*\*\* مدرسهء علیکده بزرگترین مدرسهء اسلامی هند است که در آن علاوه بر زبانهای هندی و انگلیسی فارسی و عربی نیز تعلیم میشود و علوم اسلامی‏ و علوم اروپائی هر دو تدریس شده و علوم و فنون اغلب بزبانهای‏ شرقی تحصیل میشود.این مدرسه قریب هزار نفر شاگرد و عدّهء زیادی‏ معلّمین بزرگ دارد و تنها مدرسهء عالی است در هند که فقط بهمّت و پول‏ خود بومیان بنا شده.مدرسهء مزبور یک کتابخانهء مهمّ و یک مطبعه و یک مسجد دارد و همچنین یک روزنامهء هفتگی در دو زبان اردو و انگلیسی موسوم به«مجلّهء دار العلم آلیگار2»در آنجا نشر میشود.بعدها یک مریضخانه نیز بر عمارت مدرسه اضافه شده و بنا وسعت یافت‏ و مدرسه بیشتر از پانصد لیرهء انگلیسی در ماه مخارج داشته‏3.

(1) Wellcesley (1760-1842 میلادی)مشار الیه از سنه 1217 تا سنه 1220 فرمانفرمای هندوستان بود و دهلی را فتح کرد.

(2) Aligarh inatitue Gazette

(3)حالا لا بدّ خیلی بیشتر از این مبلغ شده.

در مدرسهء عالی علیکده زبانهای انگلیسی و سانسکریت و عربی و فارسی‏ و علم تاریخ و ریاضی و غیره تعلیم میشود.هشت نفر استاد فرنگی و عدّهء زیادی معلّمین بومی دارد.معلّم عربی علاّمه هورویتز معروف از مستشرقین است.

سیّد احمد خان علاوه‏بر وطن‏پرستی و سعی در نشر تعلیم و ترقّی‏ در مملکت خود که بزرگترین فضائل او است و ویرا شخص بزرگ و مشهور مشرق زمین کرده شخصا عالم و نویسنده هم بوده و مؤلّفات و مقالات زیادی از او نشر شده.از کتاب«آثار الصّنادید»او که بزبان‏ فرانسه هم ترجمه شده‏1و کتاب دیگر وی در باب شورش هند که‏ بانگلیسی نیز ترجمه شده ذکری گذشت.علاوه‏بر ایندو کتاب وی کتاب‏ دیگری در شرح توارة در سه جلد و کتابی در تفسیر قرآن نوشته و مقالات و رسائل بیشماری در زمینه‏های مذهبی و اجتماعی و تعلیمی نوشته‏ که از آنجمله رساله‏ای در باب سیرت حضرت رسول است.

این بود مختصر سیرت یا تاریخ زندگی یک مرد بزرگ شرقی که‏ نه فتوحات با شمشیر کرده و نه خطیب سیاسی و نه وزیر و امیر و نه پیشرو یک فرقهء سیاسی بود ولی خدمتی که وی بمملکت جاهل و ملّت عوامّ و متعصّب و بدبخت خود کرد قابل قیاس با خدمات هیچ کسی در ایران در صد سال گذشته نیست.آیا مقدّر نیست که ایران بدبخت نیز عوض‏ اینهمه محیی اللّه و محیی الدّوله‏ها یک سیّد احمد خانی پیدا کند؟

مطالب این مقاله مأخوذ است از دائرة المعارف اسلامی مادّهء«احمد خان»و«آلیکار»و مقالهء مرحوم جرجی زیدان در مجلّهء الهلال عربی‏ (شمارهء اوّل از سال هفتم مورّخهء 15 جمادی الأولی سنه 1316)و دائرهء المعارف آلمانی«سایر».

در تواریخ هجری که در مقاله آمده اغلب مسامحه شده یعنی هر سنهء میلادی را بیک سال هجری که قسمت بزرگتر آن باهم مطابق بوده تحویل‏ کردیم و درواقع بایستی بهر سال میلادی دو سال هجری ذکر شود.

آتیلا بلای آسمانی‏ هجوم و استیلای بنیان‏کن آسیا بر اروپا (قسمت دوّم)

در قسمت اوّل این مقاله در شمارهء گذشتهء کاوه ما سعی نمودیم که تا حدّی‏ که درخور گنجایش روزنامه بود اوضاع اروپا را در آن زمان یعنی در دو سه قرن قبل از ظهور اسلام که مطابق اواسط دورهء سلطنت ساسانیان‏ میشود روشن نمائیم و انگاه بذکر استیلای قوم هون از نژاد مغول بر اروپا پرداخته و رسیدیم بظهور آتیلا از پادشاهان نامی آن قوم که شرح حال‏ و فتوحات و اعمال او موضوع این مقاله است و پس از آنکه در شکل‏ (1)در سنه 1861 میلادی در پاریس بطبع رسیده.

و شمایل و اخلاق او شمّه‏ای سخن رفت اکنون در این قسمت دوّم از مقاله‏ میرسیم ببالا گرفتن کار او و رقابت و پنجه در پنجه نمودن او با دولت‏ معظّم روم.

آتیلا و دولت روم

چنانکه در قسمت اوّل این مقاله در شمارهء پیش گذشت آتیلا از سنهء 441 میلادی رسما بنای آزار و اذّیت روم را گذاشته و در همان سال‏ ببهانهء اینکه خلیفهء شهر مارگوس‏1که شهری بود سرحدّی واقع در ساحل جنوبی(راست)دانوب نزدیک به بلگراد کنونی مخفیانه وارد مزار پادشاهان هون شده و ذخایر آنجا را دزدیده است بنای تاخت‏وتاز را در خاک روم در ایالت قدیمی مزی‏2که تقریبا بلغارستان و سربستان‏ کنونی میشود گذاشت و از آن ببعد هر روز ببهانه‏ای شهری را آتش زده‏ و جمعی را بهلاکت میرساند و اغلب بهانه‏های او راجع بود باجرای موادّ عهدنامه‏ای که در آغاز سلطنت خود با امپراطور روم شرقی تئودوس‏3 دوّم(408-450 میلادی)بسته بود و موافق یکی از موادّ آن مبلغی که‏ سالیانه دولت روم بپادشاه هون میداد از 350 به 700 لیرهء طلا بالا برده شده‏ بود.خلاصه آنکه در سنهء 447 میلادی آتیلا از نو بنای تاخت‏وتاز را در خاک روم نهاد و با کمال خونخواری و بیداد از ایالات تراس و مکدونیّه‏ گذشته و پس از ویران نمودن 70 شهر عمده نزدیک شد بقسطنطنیّه که‏ پایتخت روم شرقی بود و امپراطور پس از آنکه دوبار شکست فاحش خورد و سلطنت خود را در چنان خطر مهلکی دید خواستار صلح گردید و آتیلا هم قبول نمود و از آن پس مقرّر گردید که خراجی که دولت روم شرقی‏ به آتیلا میداد به 100`2 لیرهء طلا سالیانه بالا برده شود و بعلاوه امپراطور مجبور شد که فورا بعنوان خراج عقب‏افتادهء چندساله مبلغ 000`9 لیره هم نقد تقدیم آتیلا نماید و سپس بهیچ‏وجه رعایای آتیلا را در خاک خود پناه‏ ندهد.ولی آتیلا باین آسانیها دست‏بردار نبود و عاقبت امپراطور مجبور شد در عهدنامهء صلح تازه‏ای که میان آتیلا و دولت روم شرقی بسته‏ شد ناحیهء بزرگی از خاک ساحل راست دانوب را باو واگذارد و برای‏ مذاکرات درخصوص این عهدنامه سفارتی بدربار آتیلا فرستاد که خیلی‏ مشهور است و جزئیات آن در تواریخ مانده چونکه پریسکوس‏4نامی از (1) Margus

(2) Me?sie

(3) Theodosus II مشهور به‏ تئودوس جوان که قانون تئودوسی مشهور بامر او ایجاد شده است.

(4)پریسکوس (Priscos) مورّخ رومی(اصلا یونانی است)که چنانکه در ذیل‏ خواهد آمد با هیئت سفارتی که از طرف امپراطور روم شرقی سابق الذّکر(تئودوس‏ دوّم)بدربار آتیلا فرستاده شد همراه بود و کتابی درخصوص آتیلا تألیف نموده که‏ بسیاری از معلومات قطعی که اکنون دربارهء آتیلا در دست است از آن کتاب مأخوذ است و در آنجا راجع باین عهدنامه مذکور است که قرار شد که دولت روم تمام هونهائی را که جلای وطن نموده و بخاک روم گذشته بودند عودت بدهد و 000`6 لیرهء طلا از بابت‏ خراج عقب‏افتاده بپردازد(و از آنجائیکه خراج مزبور قبل از این عهد عبارت بود از 700 لیرهء طلا برای هر سال لهذا معلوم میشود که خراج مزبور هشت نه سال پرداخته‏ نشده بوده است).بعلاوه بنا شد دولت روم من بعد سه برابر خراج سابق یعنی‏ 100`2 لیرهء طلا سالیانه خراج بدهد و از آن پس نیز دولت روم قبول نمود که برای هر نفر هونی که معلوم شود در خاک روم باقی مانده و عودت داده نشده 12 لیرهء طلا بپردازد.